فصلنامه سیاست‌های مالی و اقتصادی
سال چهارم، شماره ۱۳، بهار ۱۳۹۵، صفحات ۱۱٤-۹۵

تأثیر حکمرانی و عوامل اقتصاد دانش‌بنیان بر صادرات اقتصادهای نوظهور

فاطمه کیمیائی
کارشناس‌ارشد علوم اقتصادی، پژوهشکده اقتصاد پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی (نویسنده مسئول)
f.kimiaei@gmail.com

محمد ارباب‌افضلی
دانشجوی دکترای اقتصاد مالی و پژوهشگر گروه بانکداری پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی
m.a.afzali@gmail.com

بر اساس نظریه‌های جدید رشد اقتصادی و اقتصاد بین‌الملل بهبود شاخص‌های نهادی می‌تواند از طریق ایجاد فضای رقابتی و بازاری مطمئن و نیز کاهش هزینه‌های مبادلاتی موجب افزایش قدرت رقابت‌پذیری و توسعه صادرات گردد. بر این اساس هدف مطالعه حاضر بررسی تأثیر عوامل نهادی (حکمرانی) و مؤلفه‌های منتخب اقتصاد دانش‌بنیان (انباشت هزینه‌های تحقیق و توسعه، سرمایه انسانی و فناوری اطلاعات و ارتباطات) و متغیر قیمتی (نرخ ارز) بر صادرات اقتصادهای نوظهور طی دوره زمانی (۲۰۱۳-۱۹۹٦) است. نتایج مطالعه که به روش داده‌های پانل انجام گرفته، بیانگر تأثیر مثبت و معناداری شاخص حکمرانی خوب بر صادرات است. همچنین مؤلفه‌های دانش (انباشت تحقیق و توسعه داخلی، انباشت فناوری اطلاعات و ارتباطات و انباشت هزینه‌های آموزشی به‌عنوان جانشین سرمایه انسانی) تأثیر مثبت و معناداری بر توسعه صادرات اقتصادهای نوظهور دارند. متغیر قیمتی نرخ ارز نیز تأثیر مثبت و معناداری بر صادرات اقتصادهای نوظهور دارد. بنابراین می‌توان بیان داشت مؤلفه‌های جدید تولید نقش تعیین‌کننده در توسعه صادرات اقتصادهای نوظهور دارد.

طبقه‌بندی JEL: F14, F42 , O3 , O5.
واژه‌های کلیدی: صادرات، حکمرانی خوب، تحقیق وتوسعه، فناوری اطلاعات و ارتباطات، سرمایه انسانی.

* تاریخ دریافت: ۱۳۹٤/۸/۲٤ تاریخ پذیرش: ۱۳۹٤/۱۲/٤

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-07]

۱. مقدمه

تجربه کشورهای موفق در عرصه صادرات گویای این است که گسترش و تعمیق فرهنگ صادرات در جوامع در سایه اقداماتی از قبیل ایجاد فضای مساعد برای سرمایه‌گذاری‌های صادرات‌گرا، برقراری و گسترش فضای امن اقتصادی در چارچوب قوانین و مقررات شفاف و تسهیل‌کننده فرایند تولید و تجارت میسر می‌شود؛ اما در این میان پرسش که مطرح می‌شود این است که عوامل نهادی تا چه اندازه در این راه می‌توانند تأثیرگذار باشند؟

پس از جنگ جهانی دوم، بر اساس نظریات اقتصاد کینزی، دولت عامل تصحیح‌کننده شکست بخش خصوصی بود که با استفاده از طرح‌های عمرانی خود و صرفه‌های مقیاسی که از این طرح‌ها حاصل می‌آمد، فرایند توسعه و رشد اقتصادی را تسریع می‌بخشید. اما شرکت‌های دولتی در عمل نشان دادند که کارایی و انعطاف‌پذیری لازم را ندارند و نیروی کار در معرض فشارهای سیاسی و تورمی قرار دارد و در این میان اکثریت آنها زیان دیده‌اند. با حاکم شدن نگرش مکتب شیکاگو مبنی بر سیاست‌های تعدیل اقتصادی و حداقل مداخله دولت در امور اقتصادی، بخش خصوصی قدرت یافت و کارآمدی رقابت و قیمت‌ها جای تخصیص دولتی منابع را گرفت. بر اساس این دیدگاه هرگونه دخالت دولت جهت تغییر در آن‌چه بخش خصوصی ایجاد می‌نمود، ضد تولیدی بوده و دولت به‌عنوان مانع توسعه و رشد اقتصادی دیده می‌شد. بنابراین در این نگرش فرض می‌شد هرچه اندازه دولت کوچکتر باشد بهتر است؛ اما فقدان زیرساخت‌ها و نهادهای لازم کشورها را در برقراری این سیاست با مشکلات متعددی روبرو کرد. بنابراین، موج جدیدی از نظریات و رویکردها آغاز شد و ماهیت مسئله را تغییر داد. در این نظریات مسئله کمیت دولت جای خود را به کیفیت مداخله دولت داد و تأکید بر حکمرانی خوب مورد توجه قرار گرفت، به‌طوری‌که موفقیت خصوصی‌سازی و آزادسازی منوط به تحقق نقش‌های ایجابی دولت است. بر این اساس تنها عدم مداخله دولت نمی‌تواند به رشد اقتصادی بینجامد؛ بلکه ظهور دولتی که حافظ مالکیت خصوصی است، امنیت را برقرار کند، منافع و هزینه‌های اجتماعی را به منافع و هزینه‌های خصوصی تبدیل کند، بازارساز باشد و نقش توزیعی خود را فراموش نکند کلید توسعه و رشد و افزایش توان رقابت با دیگر کشورهاست.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-07]

بررسی و مشاهده روند اقتصادی کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه نشان می‌دهد در کشورهایی که دولت‌ها اثربخش‌ترند، قانون و دستگاه‌های قضایی حاکمیت بیشتری دارند، شهروندان حق اظهارنظر بیشتری دارند و دولتمردان پاسخ‌گو هستند و فساد و بار مالی مقرراتی کمتر است. به بیان دیگر وقتی در جامعه‌ای حکمرانی بهتر است؛ فضای کسب‌وکار مناسب‌تر و محیط رقابتی‌تر، سرمایه‌گذاری در زمینه های مختلف از جمله سرمایه فیزیکی، سرمایه انسانی، سرمایه فناوری اطلاعات و ارتباطات و سرمایه تحقیق و توسعه داخلی و جذب سرریز سرمایه تحقیق و توسعه خارجی از کانال‌های مختلف بیشتر است و در نتیجه شاهد نرخ رشد مستمر و باثبات‌تر درآمد سرانه خواهیم بود (کافمن و کرای، ۱۹۹۹، عجم‌اوغلو و همکاران، ۲۰۰۳ و بادون، ۲۰۰۵).

هدف مطالعه حاضر بررسی تأثیر عوامل نهادی (حکمرانی) و مؤلفه‌های دانش (هزینه‌های تحقیق و توسعه، سرمایه انسانی و فناوری اطلاعات و ارتباطات) و متغیر قیمتی نرخ ارز بر صادرات اقتصادهای نوظهور طی دوره زمانی (۲۰۱۳-۱۹۹۶) است. شایان ذکر است اقتصادهای نوظهور کشورهایی هستند که در حال تغییر ساختار و بازسازی اقتصادی در جهت بهره بردن از فرصت‌های تجاری، انتقال فناوری و رقابت‌پذیری بیشتر و حرکت به‌سمت اقتصادهایی بر پایه دانش می‌باشند. اهمیت این کشورها، هم به‌خاطر بازار داخلی آن‌ها و هم به‌لحاظ اثرات ترکیبی و گروهی آن‌هاست که چهره سیاست و اقتصاد جهانی را در آینده تغییر خواهد داد؛ چرا که این کشورها اقتصادهایی با پتانسیل بسیار قوی از جمله جمعیت زیاد، منابع گسترده و بازارهای بزرگ هستند که موفقیت اقتصادی آن‌ها باعث تهییج فرایند توسعه در کشوهای پیرامونی می‌شود. آن‌ها کشورهایی با جوامع سنتی هستند که اصلاحات در سیاست و اقتصاد را در پیش گرفته‌اند. به‌نظر می‌رسد این کشورها به‌لحاظ منابع و عوامل فیزیکی و انسانی با مشکلات حادی روبرو نیستند و نهادهای حاکمیتی مناسب می‌توانند در استفاده و تخصیص بهینه منابع و عوامل در این کشورها جهت دستیابی به رشد مستمر، قدرت رقابت‌پذیری و افزایش توان صادراتی این کشورها نقش مؤثری داشته باشند.

در ادامه مقاله، پس از بررسی پیشینه تحقیق، مدل مربوطه ارائه خواهد شد و با استفاده از تکنیک‌های متداول اقتصادسنجی به تخمین اثرگذاری عوامل نهادی (حکمرانی) و مؤلفه‌های دانش (هزینه‌های تحقیق و توسعه، سرمایه انسانی و فناوری اطلاعات و ارتباطات) و متغیر قیمتی

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-07]

(نرخ ارز) بر صادرات اقتصادهای نوظهور اقدام نموده و درنهایت به تفسیر نتایج، جمع‌بندی و ارائه توصیه‌های سیاستی پرداخته می‌شود.

۲. ادبیات نظری و پیشینه تحقیق

توسعه صادرات، در قالب سیاست‌های برون‌گرا در تجارت خارجی مطرح می‌گردد و مربوط به صادرات کالاهای اولیه، نیمه‌ساخته و ساخته‌شده است که می‌توانند سهم بسیار زیادی از تجارت خارجی و بازارهای جهانی را به همراه آورند. به‌علاوه، مقابله با کسری تراز پرداخت‌ها، فراهم آوردن مزیت نسبی در تولید محصولات صادراتی، حصول کارایی و افزایش بهره‌وری عوامل تولید، استفاده بهینه از امکانات موجود و بالقوه، افزایش رقابت بین تولیدکنندگان، بهبود کیفی محصولات، استفاده از سطوح بالای فناوری پیشرفته، ارزآوری، جذب سرمایه‌گذاری خارجی و گسترش بازارهای داخلی از جمله مزایای گسترش و توسعه صادرات به‌شمار می‌روند.

در ادبیات نظری، در خصوص عوامل تأثیرگذار بر صادرات نظریات و راهکارهایی ارائه شده‌اند. در یک سر این طیف نظریه‌ای وجود دارد که بر نقش مؤثر و قابل توجه یا به بیانی منحصربه‌فرد عوامل قیمتی تأکید می‌کند و اعتقاد دارد متغیرهای قیمتی این توانایی را دارند که عوامل و شرایط غیرقیمتی را تأمین کنند و در سر دیگر این طیف نظریه‌ای وجود دارد که بر اهمیت بسیار بالای عوامل غیرقیمتی تأکید دارد و برای عوامل قیمتی اهمیت چندانی قائل نیست. در وسط این طیف نظریات فراوانی وجود دارد که بسته به نزدیکی و دوری از دو سر طیف، عوامل قیمتی و غیرقیمتی را با وزن‌ها و ضرایب متفاوت مورد تأکید و توجه قرار می‌دهد. بررسی‌ها نشان می‌دهند متغیرهای قیمتی موفق به توضیح تمام تغییرات لازم ایجاد شده در عملکرد صادرات نمی‌باشند؛ بنابراین ناگزیر عوامل غیرقیمتی وارد تابع صادرات شده‌اند.

اینکه متغیر مهم و محوری نظیر صادرات بیشتر به عوامل قیمتی وابسته است یا به عوامل غیرقیمتی، به بحث کلی‌تر در مورد جایگاه متغیرهای قیمتی و غیرقیمتی در اقتصاد مربوط می‌شود. اصولاً برای آنکه نظام قیمت‌ها به‌عنوان یک سازوکار علامت‌دهنده و تخصیص منابع به تأمین حداقلی از متغیرهای غیرقیمتی عمل کند، انباشت تحقیق و توسعه داخلی و سرریز تحقیق و توسعه خارجی، سرمایه انسانی، فناوری اطلاعات و ارتباطات و به‌ویژه عوامل نهادی نیاز است؛ یعنی اگر در اقتصاد نهادهای قانونی و اجتماعی مناسب ایجاد شود، دانش حالت درون‌زا پیدا کند،

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-07]

کیفیت نهادینه شود، نوآوری و ابداع به‌طور خودافزا رشد کند، قدرت‌های انحصاری مهار و محدود شود، اختلال‌ها و موانع مربوط به تعامل پویای بخش‌ها از میان برداشته شود، در این صورت نظام قیمت‌ها به‌عنوان یک فرصت خوب وارد عمل شده و وظیفه مهم انتقال بدون هزینه اطلاعات، علامت‌دهی به عوامل اقتصادی و تخصیص بهتر منابع را به خوبی و کارآمدی انجام می‌دهد. بنابراین عوامل غیرقیمتی مانند فعالیت‌های تحقیق و توسعه داخلی، سرریز فعالیت‌های تحقیق و توسعه شرکای تجاری، فناوری اطلاعات و ارتباطات، سرمایه انسانی و عوامل نهادی با عوامل قیمتی همچون نرخ ارز، قیمت نهادها و هزینه‌ها در تأثیرگذاری باهم تقابل ندارند بلکه مکمل هم هستند یا اساساً می‌توان بیان داشت متغیرهای نوع اول زمینه و پیش‌شرط کارکرد خوب متغیرهای نوع دوم هستند (شاه‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۰). در این میان عوامل نهادی می‌تواند دربرگیرنده اظهار نظر شهروندان و پاسخگویی دولتمردان،[۱] کنترل فساد،[۲] ثبات سیاسی،[۳] حاکمیت قانون،[۴] کیفیت بوروکراسی[۵] و اثربخشی دولت[۶] باشد.

به عقیده نورث (۱۹۸۱) نهادها قیودی هستند که توسط بشر برای هدایت روابط متقابل انسان‌ها با یکدیگر شکل گرفته‌اند و این قیود باعث ساختارمند شدن انگیزه‌های نهفته در مبادلات بشری می‌شوند، این مبادلات چه سیاسی باشند چه اقتصادی و چه اجتماعی، این ساختار انگیزشی می‌تواند فعالیت‌های مولد را در جامعه به پیش برده یا موانعی که بر سر راه

۱. پاسخگویی: بیانگر شرایط سیاسی حاکم به‌ویژه بر احزاب و نهادهای مدنی و وضعیت حقوق بشر و حقوق شهروندی در کشورهاست.

۲. کنترل و مقابله با فساد: از اندازه‌گیری میزان استفاده مقامات دولتی از امتیازات و امکانات دولتی برای منافع شخصی در سطح خرد و کلان حاصل می‌گردد.

۳. ثبات سیاسی: احتمال خشونت و نبردهای قومی و قبیله‌ای یا تغییر دولت، از جمله احتمال بروز حملات تروریستی و نیز وقوع جنگ و بحران‌های فراروی کشورها را که تابعی از شرایط بین‌المللی و منطقه‌ای است را به تصویر می‌کشد.

۴. حاکمیت قانون: این شاخص از اندازه‌گیری کیفیت پلیس، قراردادها و تعهدات به قوانین و مقررات موضوعه به‌دست می‌آید.

۵. کیفیت بوروکراسی: تعدد قوانین و مقررات و عدم ثبات و تغییرات مداوم و عدم پایبندی به اجرای آنها و عدم پوشش یا نقص قوانین موجود بیانگر کیفیت قانون‌گذاری است.

۶. اثربخشی دولت: این شاخص میزان کفایت بوروکراسی و کیفیت ارائه خدمات عمومی و دولتی و نیز سیاست‌های ضد بازار اتخاذ شده از سوی دولت را نشان می‌دهد (بشیری، ۱۳۹۰).

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-07]

دارد را از میان بردارند و با کاهش ناطمینانی بازار و کاستن از هزینه مبادلاتی موجب افزایش رقابت در بازار شود.

سیاست حکمرانی خوب نیز بر این اساس است که حکمرانان متناسب با فضای اقتصادی خود از طریق قیمت‌گذاری صحیح به استفاده از مزیت نسبی طبیعی بپردازند و نیز با ایجاد انحرافات عمدی، قیمت نسبی عوامل به نفع عوامل تولید دانش‌بنیان مانند هزینه‌های تحقیق و توسعه، سرمایه انسانی، فناوری، ابداع و نوآوری و ... به ایجاد مزیت نسبی اکتسابی، مزیت رقابتی، افزایش توان صادراتی و افزایش بهره‌وری عوامل تولید و سرانجام رشد اقتصادی پایدار خود کمک کنند. به‌نظر می‌رسد فراهم آوردن نهادها و زیرساخت‌های اجتماعی مناسب منابع اقتصادی را به‌سمت فعالیت‌های صادراتی هدایت می‌کند.

توربکی و کاتو (۲۰۱۱) به بررسی چگونگی تأثیر نرخ ارز بر صادرات کشور ژاپن طی دوره (۲۰۰۹-۱۹۸۸) می‌پردازند. نتایج حاکی از آن است که ۱۰ درصد افزایش ارزش ین، صادرات کالاهای مصرفی در ژاپن را به میزان ۹ درصد کاهش می‌دهد. همچنین نتایج نشان می‌دهد نوسانات بیش از حد در ارزش ین طی دهه گذشته منجر به نوسانات فراوانی در حجم صادرات ژاپن شده است.

کاربه و بین (۲۰۰۹) به بررسی تأثیر اصلاحات نهادی بر صادرات ۱۳ کشور اروپای مرکزی طی دوره (۲۰۰۰-۱۹۸۰) می‌پردازند. در این مقاله اصلاحات نهادی شامل اصلاح سازمان‌ها و اصلاح سیاست رقابت معرفی شده است که نتایج بیانگر تأثیر مثبت و معنادار اصلاحات نهادی بر کشورهای مورد مطالعه است.

آبه و ویلسون (۲۰۰۸) به بررسی اثر کاهش فساد و افزایش شفافیت بر روی کاهش هزینه‌های مبادله تجارت در کشورهای آسیای شرقی و جنوب شرقی در سال ۲۰۰۴ م. پرداخته‌اند. با توجه به نتایج به‌دست آمده از این پژوهش، با افزایش شفافیت و کاهش فساد هزینه‌های مبادله به میزان قابل توجهی کاهش می‌یابد، به‌طوری‌که با افزایش شفافیت، تجارت به میزان ۱۱ درصد در منطقه مورد مطالعه افزایش پیدا می‌کند.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-07]

فرانکیس و مانچین (۲۰۰۷) به بررسی تأثیر عوامل نهادی و زیرساخت‌ها بر صادرات پرداخته و بیان می‌دارند کیفیت نهادها و دسترسی به سیستم حمل‌ونقل توسعه‌یافته و زیرساخت‌های ارتباطی تأثیر تعیین‌کننده‌ای بر توسعه صادرات دارد.

جوهانسون و کارلسن (۲۰۰۶) نیز تأثیر فعالیت‌های تحقیق و توسعه را بر صادرات سوئیس طی دوره (۱۹۹۹-۱۹۹۳) بررسی کرده و بر اساس نتایج بیان می‌دارند دسترسی به فعالیت‌های R&D درون‌منطقه‌ای و برون‌منطقه‌ای اثر مثبت بر صادرات سوئیس دارد.

مونتوبیو و رامپا (۲۰۰۵) به بررسی تأثیر فناوری و تغییر ساختار نهادها بر صادرات صنعتی ۹ کشور درحال توسعه[1] پرداخته و بیان می‌دارند فناوری تأثیر معناداری در شکل‌دهی الگوهای تجاری کشورهای توسعه‌یافته و درحال توسعه بازی می‌کند.

شاه‌آبادی و همکاران (۱۳۹۰) به بررسی تأثیر عوامل نهادی بر صادرات غیرنفتی کشورهای عضو گروه D8 طی دوره زمانی (۲۰۰۷-۱۹۹۵) پرداخته‌اند. نتایج بیانگر آن است که عوامل نهادی (رعایت حق ثبت اختراع، محیط کسب‌وکار، منشأ قانونی و کیفیت آموزش) در افزایش اثرگذاری عواملی نظیر انباشت تحقیق و توسعه داخلی و انباشت تحقیق و توسعه خارجی و سرمایه انسانی بر صادرات غیرنفتی کشورهای عضو گروه D8 مؤثرند.

آذربایجانی و همکاران (۱۳۹۰) در مقاله خود با هدف بررسی اثر فساد بر روی تجارت دوجانبه کشورهای منتخب منطقه خاورمیانه در سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۸ با استفاده از مدل جاذبه و روش داده‌های تابلویی نامتوازن به این نتیجه رسیدند که کاهش یک درصدی فساد در کشور صادرکننده کالا باعث افزایش ۳/۵۳ درصدی صادرات می‌شود. همچنین کاهش یک درصدی فساد در کشور واردکننده کالا افزایش تجارت به میزان ۲/۲۷ درصد را به همراه دارد.

هوشمند و همکاران (۱۳۸۹) با استفاده از سیستم معادلات همزمان[2] (2SLS) طی دوره (۱۳۸۸-۱۳۵۰) نشان دادند درآمد جهانی و نرخ ارز حقیقی تأثیر مثبت و معناداری بر تقاضای صادرات ایران داشته است. همچنین تأثیر زیرساخت‌های دولتی بر عرضه صادرات نیز مثبت بوده است.

۱.آرژانتین، برزیل، چین، کلمبیا، هند، مالزی، مکزیک، سنگاپور و تایلند

2. Two Stage Least Square

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-07]

شاه‌آبادی و پورجوان (۱۳۸۹) نیز به تحلیل ارتباط بین شاخص حکمرانی، قدرت رقابت‌پذیری و رشد اقتصادی ۱۰۱ کشور از سه گروه توسعه‌یافته، تازه صنعتی شده و در حال توسعه طی دوره زمانی (۲۰۰۶-۱۹۹۶) می‌پردازند. در این مطالعه بیان می‌شود عملکرد مطلوب‌تر حکمرانی در میان کشورها موجب می‌شود نسبت صادرات کالاهای با فناوری بالا به کل صادرات و نیز نسبت ارزش افزوده بخش کارخانه‌ای به کل ارزش افزوده افزایش یابد و سهم این کشورها از تولید جهانی، صادرات و واردات جهانی افزایش یابد.

ناظمی (۱۳۸۸) ارتباط متغیرهای کلان اقتصادی نظیر تورم، نرخ ارز و تولید ناخالص داخلی را با صادرات غیرنفتی ایران طی دوره (۱۳۸۶-۱۳۵۶) مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است. این مطالعه نشان می‌دهد بین نرخ ارز و تولید ناخالص داخلی با صادرات غیرنفتی رابطه مثبت و بین نرخ تورم و صادرات غیرنفتی ارتباط معکوس وجود دارد.

۳. ارائه مدل

به پیروی از مبانی نظری و مطالعه تجربی عوامل قیمتی و غیرقیمتی بر توسعه صادرات اثرگذارند. اگر جوامع از نهادهای حاکمیتی مناسبی برخوردار باشند، امکانات و منابع موجود در آن کشور بیشتر به‌سمت افزایش هزینه‌های تحقیق و توسعه و جذب سرریز تحقیق و توسعه خارجی و سرمایه انسانی سوق داده خواهد شد. بر اساس مبانی نظری و مطالعات تجربی و واقعیات موجود الگوی مورد مطالعه در این مقاله عبارت است از:

$$LX_{it} = \alpha + \beta_1 * LS^{d}_{it} + \beta_2 * LS^{f}_{it} + \beta_3 * LICT_{it} + \beta_4 * LEDU_{it} + \beta_5 * GI_{it} + \beta_6 * LRER_{it} + \varepsilon_{it} \quad (۱)$$

که در آن

X: صادرات کالا و خدمات[۱]

S^d: انباشت تحقیق و توسعه داخلی

S^f: انباشت تحقیق و توسعه خارجی

۱. مأخذ داده‌های آماری صادرات، نرخ ارز واقعی، هزینه‌های تحقیق و توسعه داخلی و تولید ناخالص داخلی از پایگاه WDI است.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-07]

ICT: انباشت فناوری اطلاعات و ارتباطات

EDU: سرمایه انسانی (انباشت هزینه‌های آموزش)

GI: شاخص حکمرانی

RER: نرخ ارز واقعی

ε_{it}: جمله اخلال و اندیس i مربوط به کشورها و t سال هستند.

شاخص‌های حکمرانی عبارتند از: (VA: حق اظهارنظر شهروندان و پاسخگویی دولتمردان، CC: کنترل فساد، PV: ثبات سیاسی، RL: حاکمیت قانون، RQ: کیفیت بوروکراسی، GE: اثربخشی دولت) و GI: شاخص کلی حکمرانی (بر اساس مطالعه گانی و دونکن (۲۰۰۴)، به‌صورت میانگین حسابی ساده از شاخص‌های منفرد حکمرانی است). بر اساس مبانی نظری انتظار می‌رود ضرایب کلیه متغیرهای مستقل بر صادرات مثبت و معنادار باشد.

٤. نحوه محاسبه متغیرها

در خصوص نحوه محاسبه و به‌کارگیری متغیرهای مورد مطالعه توجه به نکات زیر ضروری است:

برای سنجش کیفیت حکمرانی، از شش شاخص حکمرانی که توسط کافمن و همکاران (۱۹۹۹) در بانک جهانی گردآوری شده، استفاده شده است. این شاخص‌ها یافته‌های مؤسسات مختلف بین‌المللی همچون EIU[1]، ICRG[2]، بنیاد هریتیج[3] و خانه آزادی[4] در خصوص وضعیت اقتصادی، سیاسی و اجتماعی کشورهاست که با هم ادغام شده و شاخص کلی و جدیدی تحت‌عنوان شاخص حکمرانی را ایجاد نموده‌اند. این شش شاخص از (۲/۵- بدترین حالت) تا (۲/۵+ بهترین حالت) نمره‌دهی شده و اعتقاد بر این است که هر میزان در یک کشور دولت پاسخگوتر و کارآمدتر، ثبات سیاسی بیشتر، مقررات اضافی و هزینه‌های آن کمتر، حاکمیت قانون گسترده‌تر و فساد محدودتر باشد، شاخص حکمرانی خوب‌تر است.

انباشت اولیه R&D داخلی نیز بر طبق فرمول گریلیچز (۱۹۸۸) محاسبه می‌شود:

1. Economist Intelligence Unit
2. International Country Risk Group
3. Haritage Foundation
4. Freedom House

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-07]

$$S_0 = \frac{R_0}{(g+\delta)} \qquad (۲)$$

که R_0 بیانگر هزینه R&D نخستین سالی که موجود است، δ نرخ استهلاک و g لگاریتم متوسط رشد سالانه مخارج R&D طی دوره‌ای که آمار هزینه R&D موجود می‌باشد. در رابطه بالا g لگاریتم متوسط رشد سالانه هزینه تحقیق و توسعه طی دوره مورد بررسی نیز به‌صورت زیر محاسبه می‌شود:

$$g = \frac{\text{Log}(R\&D_{L_t} / R\&D_0)}{n} \qquad (۳)$$

در معادله (۳) نیز $R\&D_L$ هزینه تحقیق و توسعه آخرین سال مورد بررسی، $R\&D_0$ بیانگر هزینه تحقیق و توسعه نخستین سالی که موجود است (طی دوره مورد مطالعه) و n تعداد سال‌های موجود می‌باشد. همچنین انباشت سرمایه R&D داخلی در هر سال برابر است با:

$$S_t = (1-\delta)S_{t-1} + R_t \qquad (۴)$$

در معادله بالا S^d_t و S^d_{t-1} انباشت تحقیق و توسعه در زمان t و t-1 هستند. $R\&D_t$، هزینه تحقیق و توسعه در دوره t است، نرخ استهلاک انباشت سرمایه R&D برای تمام کشورها به پیروی از کو و هلپمن (۱۹۹۵ و ۲۰۰۹) نیز ۵ درصد در نظر گرفته شده است. شایان ذکر است از همین روش جهت محاسبه انباشت سرمایه ICT نیز استفاده شده است. به‌این منظور به پیروی از مطالعات فرامنی (۱۹۹۷) و محمودزاده (۱۳۸۹) نرخ استهلاک سرمایه ICT، ۱۸ درصد در نظر گرفته شده است.

با توجه به اینکه بیش از ۹۰ درصد از فعالیت‌های R&D جهان در کشورهای توسعه‌یافته صورت می‌گیرد و از طرفی، عمده واردات کشورهای مورد مطالعه از کشورهای گروه هفت است و بخش قابل توجهی از آن را کالاهای واسطه‌ای-سرمایه‌ای تشکیل می‌دهند؛ در این مطالعه جهت محاسبه انباشت سرمایه R&D خارجی، از شاخص لیچتنبرگ و پوتری (۱۹۹۸) استفاده شده است:

$$SF^{LP}_t = \sum \left(\frac{m_{ij}}{GDP_j}\right) SD_J \qquad (۵)$$

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-07]

که در آن، J نشان‌دهنده طرف تجاری کشور i است. m_{ij} بیانگر جریان واردات کالایی از کشور j به کشور i است. SD_j انباشت سرمایه R&D داخلی شریک تجاری j است.

با توجه به تأثیر سرمایه انسانی در جذب انباشت سرمایه R&D بین‌المللی و نیز تأثیر آن در بومی‌سازی فناوری وارداتی، متغیر سرمایه انسانی به‌طور جداگانه در کنار متغیرهای دیگر در نظر گرفته شده و انباشت هزینه‌های آموزشی به‌عنوان متغیر جانشین برای آن وارد مدل شده است. برای محاسبه انباشت این متغیر نیز از فرمول گریلیچز (۱۹۸۸) استفاده شده است.

داده‌های مربوط به واردات کشورهای مورد مطالعه از شرکای تجاری‌شان، از مرکز آمارهای تجاری سازمان ملل[1] و همچنین مرکز آمار تجاری برای توسعه کسب‌وکار بین‌المللی[2] استخراج شده است. داده‌های مربوط به ICT نیز از آمارهای موجود در WITSA[3] و Euromonitors (2011) و CD WDI (2005) به‌دست آمده است.

۵. نتایج برآورد مدل

با توجه به محدودیت‌هایی که استفاده از الگوهای سری زمانی در دوره‌های زمانی کوتاه دارند، جهت تلفیق داده‌های مقاطع و گروه‌های مختلف در یک سری زمانی محدود استفاده از روش داده‌های پانل روشی مفید محسوب می‌شود. به‌طور کلی برآورد مدل با استفاده از داده‌های پانل شامل مراحل آزمون قابلیت تخمین مدل به‌صورت داده‌های پانل توسط آزمون F لیمر، آزمون اثرات ثابت یا اثرات تصادفی توسط آزمون هاسمن و برآورد پارامترها است.

از آنجا که شاخص‌های نهادی با یکدیگر همبستگی بالایی دارند که برآورد آن‌ها را در یک معادله رگرسیون واحد ناممکن می‌سازد، برای دوری از این مشکل ابتدا یک رگرسیون پایه بدون در نظر گرفتن شاخص‌های حکمرانی با متغیرهای دانش و متغیرهای قیمتی برآورد شده و سپس برای بررسی اثر حکمرانی خوب بر صادرات، میانگین ساده حسابی از شش شاخص حکمرانی را محاسبه و مدل را مجدد برآورد کرده و سپس در حالات جداگانه‌ای شاخص‌های حکمرانی را تک‌تک وارد مدل کرده و تخمین زده شده است.

1. UN Comtrade Database
2. Trade map
3. Wold Information Technology Systems and Alliances

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-07]

در جدول (۱)، نتایج ستون اول نشان می‌دهد انباشت تحقیق و توسعه داخلی، انباشت فناوری اطلاعات و ارتباطات و انباشت هزینه‌های آموزشی منجر به بهبود صادرات اقتصادهای نوظهور می‌شود، زیرا سیاستگذاران در راستای افزایش قدرت رقابت‌پذیری توجه ویژه‌ای به گسترش بازار عوامل جدید تولید از طریق تخصیص قابل توجهی از تولید ناخالص داخلی به فعالیت‌های تحقیق و توسعه، افزایش مخارج فناوری اطلاعات و ارتباطات و تلاش در جهت بهبود کیفیت آموزش نموده و موجب ایجاد تنوع در تولید، بالا بردن کیفیت تولیدات و بهبود صادرات گردیده‌اند. همچنین بر اساس نتایج تخمین، نرخ ارز واقعی نیز تأثیر مثبت و معنادار بر صادرات اقتصادهای نوظهور دارد.

در ارتباط با متغیر انباشت سرمایه تحقیق و توسعه خارجی نیز همان‌طور که نتایج نشان می‌دهند سرریز تحقیق و توسعه خارجی از کانال واردات موجب افزایش قدرت رقابت‌پذیری نشده و شاهد تأثیر منفی این متغیر بر صادرات هستیم. انتظار برآن بود از آنجا که وزن اصلی شرکای تجاری کشورهای موسوم به اقتصاد نوظهور کشورهای توسعه‌یافته‌ای همچون گروه هفت است، انتقال انباشت تحقیق و توسعه از این کشورها به کشورهای مورد مطالعه (از طریق واردات کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای)، موجبات انتقال فناوری نوین به داخل این کشورها را فراهم آورد و از طریق جذب و بومی نمودن و به‌کارگیری آن در زمینه‌های مختلف اقتصادی همراه با کاهش هزینه‌های تولید به‌سرعت موجب گسترش روابط تجارت بین‌الملل و افزایش صادرات در کشورهای مذکور گردد. اما به‌نظر می‌رسد پایین بودن ظرفیت جذب تحقیق و توسعه در این کشورها مانع از تأثیر مثبت انباشت تحقیق و توسعه خارجی در دوره زمانی مورد مطالعه بر صادرات اقتصادهای نوظهور گردیده است. همچنین می‌توان بیان داشت سرریز تحقیق و توسعه شرکای تجاری از طریق افزایش واردات کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای تا حدودی جایگزین فعالیت‌های نوآورانه داخلی شده و انگیزه فعالیت‌های تحقیق و توسعه داخلی را تحت‌تأثیر قرار داده است.

در ستون دوم جدول (۱) شاهد تأثیر مثبت و معنادار ضریب تخمینی متغیر شاخص حق اظهارنظر و پاسخگویی در کنار سایر متغیرهای مستقل بر صادرات اقتصادهای نوظهور هستیم. کلاگو (۱۹۹۶) معتقد است آزادی شهروندان برای اظهارنظر و پاسخگویی دولت‌ها، امنیت

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-07]

حقوق مالکیت و ضمانت اجرای قراردادها را افزایش داده و بنابراین با کاهش ریسک، نرخ بازگشت انواع سرمایه و قدرت رقابت‌پذیری را افزایش می‌دهد. همچنین وی بیان می‌دارد در جوامعی که آزادی مدنی وجود دارد حکومت‌ها نسبت به تأمین نیازهای اولیه مردم پاسخگوتر هستند، چرا که آن‌ها سیاست‌هایی را انتخاب خواهند کرد که انباشت سرمایه انسانی و بسط بازار سایر مؤلفه‌های دانش و در نتیجه افزایش قدرت رقابت‌پذیری را در پی خواهد داشت.

در ستون سوم جدول (۱) شاهد تأثیر مثبت و معنادار ضریب تخمینی متغیر شاخص کنترل فساد در کنار سایر متغیرهای مستقل بر صادرات اقتصادهای نوظهور می‌باشیم؛ زیرا گسترش فساد باعث انحراف منابع به‌ویژه سرمایه انسانی از فعالیت‌های نوآورانه به فعالیت‌های غیرمولد نظیر دزدی، رانت‌جویی، رشوه و ... خواهد شد، در حالی‌که این افراد به‌طور بالقوه می‌توانستند ظرفیت جامعه را از لحاظ پیشرفت فنی ارتقا دهند. از سوی دیگر فساد به مقامات رسمی اجازه می‌دهد به‌طور مخفیانه و سلیقه‌ای منافع خصوصی کسب نمایند و به‌این طریق نه‌تنها اقدام به ایفای نقش خود یعنی رفع نواقص بازار نخواهند کرد، بلکه نواقص بیشتری نیز در بازارها ایجاد خواهند کرد. در چنین شرایطی بنگاه‌های جدید مجبورند برای ثبت و شروع فعالیت خود رشوه پرداخت نمایند که این امر موجب کاهش میزان تولید، افزایش هزینه‌های تولید و کاهش قدرت رقابت‌پذیری خواهد بود.

در ستون چهارم جدول (۱) شاهد تأثیر مثبت و معنادار ضریب تخمینی متغیر شاخص ثبات سیاسی در کنار سایر متغیرهای مستقل بر صادرات اقتصادهای نوظهور می‌باشیم. شاخص ثبات سیاسی نشان‌دهنده عدم وجود خشونت در جامعه است و به ارزیابی بی‌ثباتی دولت یا احتمال براندازی آن از طریق ابزارهای خشن و غیرمدنی و اعمالی چون کودتا، شورش‌های داخلی، تروریسم و ترور اشاره دارد. بنابراین در جوامعی که تغییرات سیاسی پیش‌بینی‌پذیرتر باشد، ریسک و نااطمینانی در فضای اقتصادی در آن کشورها کمتر خواهد بود. بر این اساس تأمین محیط امن و باثبات و جلوگیری از تغییرات شدید در سیاست‌ها باعث ایجاد انگیزه در سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی می‌شود و به ایجاد محیطی امن برای گسترش بازارهای عوامل جدید تولید (سرمایه انسانی، فعالیت‌های تحقیق و توسعه داخلی و فناوری اطلاعات و ارتباطات) و فعالیت‌های صادراتی می‌انجامد.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-07]

در ستون پنجم جدول (۱) شاهد تأثیر مثبت و معنادار ضریب تخمینی متغیر شاخص حاکمیت قانون در کنار سایر متغیرهای مستقل بر صادرات اقتصادهای نوظهور می‌باشیم؛ زیرا در صورتی‌که قوانین جامعه بر اساس ضوابط علمی و منطقی و منطبق با نیازهای جامعه وضع شوند و شهروندان و حاکمان جامعه مطیع قوانین باشند و قراردادهای دولتی به‌درستی اجرا شوند، حقوق مالکیت محترم شمرده شود و عملکرد دستگاه‌های قضایی در آن کشور قابل پیش‌بینی باشد در این صورت شاهد افزایش اعتماد بیشتر فعالین اقتصادی به‌ویژه تجار ملی و بین‌المللی خواهیم بود؛ زیرا در غیر این‌صورت شاهد افزایش میزان ریسک و کاهش قدرت رقابت‌پذیری خواهیم بود (هاگارد و همکاران، ۲۰۰۸).

در ستون ششم جدول (۱) شاهد تأثیر مثبت و معنادار ضریب تخمینی متغیر شاخص کیفیت بوروکراسی در کنار سایر متغیرهای مستقل بر صادرات اقتصادهای نوظهور می‌باشیم. زیرا هرچه بوروکراسی موجود در یک کشور در تنظیم قوانین اختلال‌زا در بازار همچون کنترل قیمت‌ها، موانع غیراصولی و دست‌وپاگیر در امر صادرات و واردات، محدودیت در بازار سهام، مالیات‌های صادراتی و وارداتی، مقررات و محدودیت جهت تبدیل ارز و موارد مشابه بهتر عمل کند، فعالیت‌های اقتصادی در کلیه بازار عوامل تولید به‌ویژه عوامل جدید تولید روان‌تر شده و در نهایت شاهد افزایش قدرت رقابت‌پذیری و توسعه فعالیت‌های صادراتی خواهیم بود.

در ستون هفتم جدول (۱) شاهد تأثیر مثبت و معنادار ضریب تخمینی متغیر شاخص اثربخشی دولت در کنار سایر متغیرهای مستقل بر صادرات اقتصادهای نوظهور می‌باشیم، زیرا کارایی دولت مستلزم وجود دستگاه‌های ادرای کارآمد و بهینه است. در این‌صورت شاهد پاسخگویی به نیازهای مردم، متضمن دستیابی همگان به خدمات با کیفیت همچون بهداشت و سرمایه‌های تولیدی و ایجاد محیطی مناسب و مطمئن در راستای افزایش فعالیت‌های اقتصادی به‌ویژه در بازار عوامل جدید تولید (سرمایه انسانی، فعالیت‌های تحقیق و توسعه داخلی و فناوری اطلاعات و ارتباطات) و توسعه فعالیت‌های صادراتی خواهیم بود.

در ستون هشتم جدول (۱) شاهد تأثیر مثبت و معنادار ضریب تخمینی متغیر شاخص کلی حکمرانی در کنار سایر متغیرهای مستقل بر صادرات اقتصادهای نوظهور می‌باشیم. انتظار می‌رود بهبود شاخص حکمرانی خوب همراه با بسترسازی جهت اجرای اصلاحات سیاسی،

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-07]

اداری و مدیریتی، بهبود سیاست‌های اقتصادی و توسعه نهادها در راستای تحقق حکمرانی خوب قادر است با کنترل و مقابله با افزایش فساد، تأمین امنیت سیاسی و اقتصادی، بهبود فضای کسب‌وکار همراه با کاهش مقررات اضافی و دست‌وپاگیر به فراهم ساختن محیطی رقابتی در عرصه ملی و بین‌المللی و افزایش قدرت رقابت‌پذیری و فراهم‌سازی ایجاد ارتباط با سایر کشورها موجب افزایش قدرت رقابت‌پذیری و توسعه صادرات شود.

جدول ۱. نتایج حاصل از برآورد مدل برای اقتصادهای نوظهور

Dependent Variable	۱	۲	۳	٤	٥	٦	۷	۸
C	−۲/۵	−۲/۷	−۲/۴	−۲/۰	−۲/۶	−۲/۵	−۲/۵	−۲/۴
	(−۴/۵)	(−۴/۵)	(−۳/۰)	(−۲/۸)	(−۴/۵)	(−۴/۱)	(−۴/۴)	(−۳/۷)
Log (SD)	۰/۶۰	۰/۶۰	۰/۵۷	۰/۵۸	۰/۶۱	۰/۶۰	۰/۶۱	۰/۶۰
	(۱۶/۱)	(۱۶/۰)	(۱۴/۶)	(۱۳/۹)	(۱۶/۱)	(۱۵/۷)	(۱۶/۴)	(۱۷/۵)
Log (SF)	−۰/۰۶	−۰/۰۶	−۰/۰۵	−۰/۰۶	−۰/۰۶	−۰/۰۶	−۰/۰۶	−۰/۰۶
	(−۱۳/۹)	(−۱۲/۳)	(−۱۱/۷)	(−۹/۹۷)	(−۱۳/۷)	(−۱۳/۲)	(−۱۶/۰)	(−۱۳/۴)
Log (ICT)	۰/۵۴	۰/۵۲	۰/۵۰	۰/۵۴	۰/۵۴	۰/۵۴	۰/۵۷	۰/۵۲
	(۱۴/۴)	(۱۲/۳)	(۱۲/۱)	(۱۴/۹)	(۱۴/۳)	(۱۴/۰)	(۱۵/۶)	(۱۳/۶)
Log (EDU)	۰/۱۷	۰/۱۹	۰/۲۱	۰/۱۴	۰/۱۷	۰/۱۶	۰/۱۳	۰/۱۷
	(۲/۸)	(۲/۸)	(۲/۹)	(۲/۰۱)	(۲/۷)	(۲/۴)	(۲/۲)	(۳/۰)
Log(er)	۰/۱۱	۰/۱۲	۰/۱۲	۰/۱۲	۰/۱۱	۰/۱۱	۰/۱۱	۰/۱۱
	(۶/۹)	(۶/۶)	(۶/۲)	(۷/۴)	(۶/۸)	(۴/۳)	(۷/۴)	(۶/۶)
VA		۰/۰۸						
		(۱/۷)						
CC			۰/۰۴					
			(۲/۶)					

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-07]

ادامه جدول ۱.

Dependent Variable	۱	۲	۳	٤	٥	٦	۷	۸
PV				۰/۰۴ (۲/۷)				
RL					۰/۰۲ (۱/۰)			
RQ						۰/۱۰ (۴/۳)		
GE							۰/۰۲ (۳/۳)	
GI								۰/۰۵ (۲/۳)
F-STATISIC	۲۴۸۸/۴	۲۳۶۷/۳	۱۳۰۲/۹	۱۷۵۱/۲	۲۳۰۱/۶	۲۲۵۱/۳	۲۲۰۵/۲	۱۹۴۸/۸
R2	۰/۹۹	۰/۹۹	۰/۹۹	۰/۹۹	۰/۹۹	۰/۹۹	۰/۹۹	۰/۹۹
DW	۱/۵۹	۱/۵۸	۱/۴۰	۱/۶۱	۱/۶۰	۱/۵۹	۱/۶۳	۱/۵۴
Limer F -Test	۲۶۸/۸ [۰/۰]	۲۶۲/۹۸ [۰/۰]	۱۲۸/۸ [۰/۰]	۱۵۳/۳ [۰/۰]	۲۶۲/۲ [۰/۰]	۲۵۹/۹ [۰/۰]	۲۸۹/۱ [۰/۰]	۱۱۷/۷ [۰/۰]
Hausman Test	۶۱۴/۲۸ [۰/۰]	۴۶۰/۹۵ [۰/۰]	۳۶۳/۹۸ [۰/۰]	۵۵۱/۸۷ [۰/۰]	۵۰۶/۹۹ [۰/۰]	۶۸۷/۸۸ [۰/۰]	۶۸۹/۹۸ [۰/۰]	۱۵۰/۱۸ [۰/۰]

*. اعداد داخل پرانتز بیانگر آماره t می باشند.

مأخذ: نتایج تحقیق.

٦. نتیجه‌گیری و پیشنهادات

ایجاد انگیزه برای صادرات، کاهش هزینه تولید کالاهای صادراتی، ایجاد فضای رقابت بین‌المللی و تنوع بازارهای صادراتی و نیز ایجاد محیطی امن برای فعالیت‌های صادراتی از جمله اقداماتی است که همواره کشورهای مختلف به‌منظور تشویق و توسعه صادرات در پی آن بوده‌اند. در این میان نهادهای حاکمیتی می‌توانند با برقراری سیاست‌های تشویق صادرات، قانون و مقررات مناسب، شفافیت در روش انجام مبادلات، برقراری ثبات سیاسی و حفظ آن، کشورها را جهت افزایش توان صادراتی حمایت کنند. بنابراین، بانک جهانی با محوریت قرار دادن حکمرانی خوب در سیاست‌های اقتصادی، موفقیت خصوصی‌سازی و آزادسازی تجاری را

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-07]

منوط به ظهور دولت و نهاد حاکمیتی می‌داند که حافظ مالکیت خصوصی است، امنیت را برقرار می‌کند، منافع و هزینه‌های اجتماعی را به منافع و هزینه‌های خصوصی تبدیل می‌کند، بازارساز است و نقش توزیعی خود را فراموش نمی‌کند. چنین نهادی کلید توسعه و رشد پایدار است.

جهت‌گیری کلی کشورهای موفق نیز نشان می‌دهد اقتصادهایی که با ایجاد و حمایت از نهادهایی که حقوق مالکیت فکری را محترم می‌شمارند و گسترش و تسهیل دستیابی به مؤلفه‌های جدید همچون تحقیق و توسعه داخلی و جذب سرریز تحقیق و توسعه خارجی، فناوری اطلاعات و ارتباطات و سرمایه انسانی ماهر و آموزش دیده را تشویق و تحریک می‌کنند، علاوه بر استفاده از مزیت‌های نسبی طبیعی در فرایند تولید، زمینه استفاده از مزیت‌های نسبی اکتسابی را فراهم می‌آورند و از این طریق قدرت رقابتی خود را افزایش داده و قادر خواهند بود تولیدات و خدمات خود را به سایر کشورها صادر نمایند.

در این مطالعه جهت بررسی تأثیر عوامل نهادی بر صادرات اقتصادهای نوظهور از ۶ شاخص حکمرانی معرفی شده توسط بانک جهانی استفاده شده است. نتایج حاکی از آن است که نه‌تنها حکمرانی خوب تأثیر مثبتی بر صادرات در کشورهای موسوم به اقتصاد نوظهور دارد، بلکه شاخص‌های منفرد حکمرانی نیز تأثیر مثبتی در بهبود صادرات اقتصادهای نوظهور دارند. همچنین بر اساس نتایج تخمین می‌توان بیان داشت مؤلفه‌های دانش مانند انباشت سرمایه تحقیق و توسعه داخلی، انباشت مخارج فناوری اطلاعات و ارتباطات و سرمایه انسانی در بهبود صادرات در اقتصادهای نوظهور تأثیر به‌سزایی دارند و تأثیر انباشت تحقیق و توسعه داخلی در این بین بیش از سایر متغیرهای غیرقیمتی است. بنابراین در راستای افزایش قدرت رقابت‌پذیری و توسعه صادرات، سیاستگذاران اقتصادهای نوظهور و سایر کشورهای درحال توسعه توجه جدی به استفاده مؤثر و گسترده از مؤلفه‌های اقتصاد دانش‌محور نمایند و از طریق بهبود شاخص حکمرانی بسترهای مناسب را برای این مهم فراهم آورند. از این‌رو در راستای بهبود شاخص حکمرانی و افزایش توان رقابتی و توسعه صادرات موارد زیر پیشنهاد می‌شود:

- تأکید هرچه بیشتر بر گسترش فعالیت‌های تحقیق و توسعه داخلی و فناوری اطلاعات و ارتباطات به‌منظور افزایش نقش عوامل دانش در کلیه بخش‌های اقتصادی از جمله مواردی

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-07]

است که باید به‌منظور افزایش قدرت رقابت‌پذیری در اقتصاد، از طریق ایجاد بسترهای لازم جهت تقویت شاخص‌های حکمرانی، از سوی سیاستگذاران مورد توجه جدی واقع شود.

- تلاش در جهت از بین بردن بی‌ثباتی سیاسی در کشورها با ایجاد انسجام و وحدت بین اقوام و گروه‌های مختلف یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های حکمرانی مطلوب است که می‌تواند زمینه را برای افزایش کیفیت و بهره‌وری نیروی انسانی فراهم نماید. بر این اساس، با توجه به ساختار اجتماعی و فرهنگی کشور ما توجه به این مقوله در امر سیاستگذاری از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.
- بهبود فضای کسب‌وکار همراه با کاهش مقررات اضافی و دست و پاگیر به فراهم ساختن محیطی رقابتی در عرصه ملی و بین‌المللی کمک می‌کند. از این‌رو لازم است تا مسائلی همچون خصوصی‌سازی با جدیت و شفافیت بیشتری به اجرا درآید.

منابع

آذربایجانی، کریم؛ شیرازی، همایون و ندا سمیعی (۱۳۹۰)، "اثر فساد بر روی تجارت دوجانبه کشورهای منتخب منطقه خاورمیانه"، *تحقیقات اقتصادی*، شماره ۲، صص ۲۰-۱.

بشیری، عباس و وحید شقاقی‌شهری (۱۳۹۰)، "حکمرانی خوب، فساد و رشد اقتصادی (رویکردی اقتصادی به مقوله حکمرانی خوب)"، *بررسی‌های بازرگانی*، شماره ۴۸، صص ۸۱-۶۹.

شاه‌آبادی، ابوالفضل و عبدالله پورجوان (۱۳۸۹)، "حکمرانی، رقابت‌پذیری و رشد اقتصادی کشورهای منتخب"، *فصلنامه راهبرد یاس*، شماره ۲۲، صص ۱۶۸-۱۳۰.

شاه‌آبادی، ابوالفضل؛ دهقانی‌احمدآباد، هانی و سهیلا میرزابابازاده (۱۳۹۰)، "تأثیر عوامل نهادی بر صادرات غیرنفتی کشورهای اسلامی عضو گروه D8"، *فصلنامه اقتصاد و تجارت نوین*، شماره‌های ۱۷ و ۱۸، صص ۱۱۸-۹۷.

محمودزاده، محمود (۱۳۸۹)، "اثرات فناوری اطلاعات و ارتباطات بر بهره‌وری کل عوامل تولید در کشورهای در حال توسعه منتخب"، *فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی*، شماره ۵۷، صص ۶۴-۲۴.

ناظمی، فرزاد (۱۳۸۸)، "بررسی اثر متغیرهای کلان اقتصادی بر صادرات غیرنفتی"، *فصلنامه مدیریت صنعتی دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج*، سال ۴، شماره ۱۰، صص ۱۱۷-۱۰۵.

هوشمند، محمود؛ دانش‌نیا، محمد؛ عبدالهی، زهرا و زهره اسکندری‌پور (۱۳۸۹)، "عوامل مؤثر بر صادرات غیرنفتی"، *فصلنامه دانش و توسعه*، شماره ۳۴، صص ۱۴۵- ۱۲۶.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-07]

Abe, K. & S. Wilson (2008), "Governance, Corruption and Trade in the Asia Pacific Region", World Bank, Policy Research Working Paper 4731.

Acemoglu, D.; Johnson, S.; Robinson, J. & Y. Thaicharoen (2003), "Institutional Causes, Macroeconomic Symptoms: Volatility, Crises and Growth", Journal of Monetary Economics, Vol. 50, No. 1, PP.49-123.

Badun, M. (2005), "The Quality of Governance and Economic Growth in Croatia", Financial Theory and Practice, Vol. 29, No. 4, PP. 279-308.

Carlsen, Fredrik; Johansen, Kare & K. Roed (2006), "Wage Formation, Regional Migration and Local Labour Market Tightness". *Oxford Bulletin of Economics and Statistics*, Vol. 68.

Coe, D. & E. Helpman (1995), "International R&D Spillovers", *European Economic Review*, Vol. 39, No. 2, PP. 859-887.

Clague, C.; Keefer, P.; Knack, S. & M. Olson (1996), "Property and Contract Right in Autocracies and Democracies", Journal of Economic Growth, Vol. 1, No. 2; PP. 243-267.

Crabbe, K. & M. Beine (2009), "Trade, Institutions and Export Specialization", *LICOS*, Discussion Papre Series.

Francois, J. & M. Monchin (2007), "Institutions, Infrastructure and Trade", *IIDE Discussion Papre 20070401*, Institute for International and Development Economics.

Fraumeni, B. M. (1997), "The Measurement of Depreciation in the U.S. National Income and Product Accounts", *Survey of Current Business*,Vol. 14, No. 1; PP. 7-23.

Griliches, Zvi (1988), "Productivity Puzzles and R&D: Another No Explanation", *Journal of Economic Perspectives*, Vol. 56, No. 2, PP. 9-21.

Haggard, S., MacIntyre, A.; & L. Tiede (2007), "The Rule of Law and Economic Development", by University of California – San Diego.

Kaufmann, D., Kraay, A.; & M. Mastruzzi (1999), "The Worldwide Governance Indicators Project: Answering the Critics", World Bank Policy Research Working Paper 4149.

Lichtenberg, F.; Pottelsberghe, Van & B. De La Potterei (1998), "International R&D Spillovers: a comment", *European Economic Review*, Vol. 42, No. 8; PP. 1483-1491.

Montobbio, F. & F. Rampa (2005), "The Impact of Technology and Structural Change on Export Performance in Nine Developing Countries", *World Development*, Vol. 33, No. 4, PP. 527-554.

North, Douglass C. (1981), Structure and Change in Economic History. New York: Norton.

Thorbecke, W. & A. Kato (2011), "The Effect of Exchange Rate Changes on Japanese Consumption Exports", ADBI Working Paper Series, No. 298, PP. 254-272.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-07]

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-07]